

جایگاه و نقش ایران در نظم جدید جهان

سه موضوع در تقویت کشور بسیار نقش دارد: یکی مسأله علمی و فناوری، یکی مسأله اقتصادی، یکی مسأله فرهنگی است. در این سه بخش ما باید سرمایه گذاری کنیم؛ این ها عناصر کلیدی اند. دولتهای ما، مسؤولین ما، مؤثرین و منتفدین ما، در هر سه قسمت بایستی فعال بشوند و کار بکنند. مسألهی جمعیت هم البته بسیار مهم است... مسألهی وحدت و همدلی در کشور هم بسیار مهم است.

بیانات بسیار مهم رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع خبرنگاران ملت.

دهه اخیر نشان داد کشوری که در حال شکل دهی به نظم خاورمیانه (غرب آسیا) است، ایران بوده و این به معنای پایان یافتن دوران امپراطوری غرب و آمریکا در این منطقه است. به راه انداختن جنگ نیابتی با استفاده از گروههای تروریستی و تکفیری در منطقه به ویژه در کشورهای سوریه و عراق از یک طرف و تداوم جنگهای رژیم صهیونیستی علیه غزه در قالب جنگ هشت روزه و جنگ اخیر (۵۱ روزه)، همگی یک هدف راهبردی را از سوی غرب دنبال می کرد و آن، فرو پاشاندن محور مقاومت و مقابله با بیداری اسلامی بود که نتیجه ای جز شکست برای آنان نداشت. تمامی شکست های جبهه های غربی - عربی - صهیونیستی و ترکی در بحران های سوریه، عراق و لبنان و رژیم صهیونیستی و حامیانش در جنگ غزه، پیروزی های راهبردی برای جمهوری اسلامی به حساب می آید. این پیروزی ها موقعیت ایران در منطقه را تحکیم بخشیده و به طور قطع نظم خاورمیانه (غرب آسیا) با محوریت ایران در حال شکل گرفتن است. شکل گیری نظم خاورمیانه بر محوریت ایران، یعنی تبدیل منطقه راهبردی غرب آسیا به یک بلوک قدرت در نظم جدید جهانی که از مختصات آن، تشکیل چند بلوک قدرت است. تأکید رهبر فرزانه انقلاب بر قوی کردن کشور و استحکام ساخت درونی قدرت جمهوری اسلامی، برای آن است که ایران چنین نقشی را در نظام بین الملل آینده ایفا کند.

دکتر یدالله جوانی

**امام خمینی(ره): رابطه بین یک ملت بپاخاسته
برای رهایی از چنگال چپاولگران بین المللی
با یک چپاولگر عالم خوار، همیشه به ضرر
ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است.**

اصفهان: خیابان هزار جریب، سازمان جهاد کشاورزی استان

پایگاه مقاومت بسیج تلفن: ۷۹۱۳۰۰۶ دورنگار ۷۹۱۳۲۴۲



انحصاری بر خاورمیانه (غرب آسیا) است. حرکت در این مسیر انحصاری برای رسیدن به موقعیت رهبری برای ایالات متحده در حالی طرح ریزی شد که جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور مستقل و ضد نظام سلطه، با تمام توان در مقابل سیاست های خاورمیانه ای آمریکا ایستاده بود. طی یک دهه گذشته، غرب آسیا (خاورمیانه) صحنه اصلی رویارویی آمریکا و جمهوری اسلامی بود. آمریکایی ها با بهانه قرار دادن موضوع مبارزه با تروریسم در پی حادثه مشکوک ۱۱ سپتامبر، به افغانستان و عراق لشکر کشی کردند و طرح هایی چون طرح خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه جدید را مطرح ساختند. رژیم صهیونیستی به نیابت از آمریکا با هدف شکل دهی به طرح خاورمیانه جدید، علیه حزب الله لبنان وارد جنگ همه جانبه شد. شکست های آمریکا در افغانستان و عراق از یک طرف و شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه از طرف دیگر، این واقعیت را آشکار ساخت که دوران امپراطوری غرب و به ویژه آمریکا در منطقه راهبردی غرب آسیا رو به پایان است. هدف اصلی غرب از این نوع تحرکات در این منطقه، جلوگیری از شکل گیری خاورمیانه اسلامی با محوریت ایران بود. غرب و به ویژه آمریکا در منطقه غرب آسیا، سه هدف راهبردی را برای تأمین منافع خود تعریف کردند و تمام تلاش آنها در این سال ها، تحقق این اهداف بود. حفظ امنیت رژیم صهیونیستی، حفظ حکومت های وابسته به غرب در این منطقه و تأمین امنیت جریان آزاد انرژی از منطقه به سمت کشورهای صنعتی غربی، اهداف سه گانه ای است که غربی ها دنبال می کنند. نتیجه رقابت و رویارویی غرب و متحدانش با جمهوری اسلامی در منطقه طی یک دهه اخیر، به موازات کاهش قدرت غرب در این منطقه ورود ایران به دو حوزه راهبردی بوده است: ۱- افزایش عمق استراتژیک ایران ۲- افزایش نفوذ استراتژیک ایران. محور مقاومت موجب افزایش عمق استراتژیک ایران شد و پدیده بیداری اسلامی، دامنه نفوذ ایران را در منطقه گسترش داد. این دو دستاورد بزرگ برای جمهوری اسلامی طی یک

نظم جدید جهانی در حال شکل گیری است، اما برخی این واقعیت را درک نکرده و هنوز معتقدند باید تسلیم غرب شد.»



طرح لایه باز نقشه جهان از

© 2013

این عبارت و گزاره راهبردی، بخشی از بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در روز پنجشنبه سیزدهم شهریور است. مقام معظم رهبری در این دیدار، با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی از مهم ترین عناصر به چالش کشیده شدن پایه های نظم جهانی بود، فرمودند: ((کشور باید قوی باشد تا در پدید آوردن نظم جدید جهانی ایفای نقش کند))

در این نوشتار، مختصات نظم جدید جهانی و جایگاه ایران در نظم در حال شکل گیری، بررسی می شود. دوره کنونی را می توان دوره گذار و یا دوره انتقالی نامید. در هر دوره ای نظمی بر جهان حاکم بوده و براساس آن، جایگاه ملت ها و قدرت ها تعریف شده است. تا پیش از جنگ جهانی دوم، یک

نظام چندقطبی بر جهان حاکم بود و چند کشور قدرتمند اروپایی مانند انگلیس، فرانسه و... دنیا را بین خودشان تقسیم کرده بودند. در این دوره طولانی، عمده کشورهای جهان در قاره های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، تحت سلطه کشورهای استعمارگر اروپایی قرار داشتند. جنگ جهانی اول و دوم، کشورهای قدرتمند اروپایی را تضعیف کرد و با ظهور دو قدرت برتر آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق از درون جنگ دوم جهانی، نظام دوقطبی با محوریت دو قدرت مذکور شکل گرفت و عملاً جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شد. برای فهم ماهیت نظام دوقطبی، می توان سخنان نخست وزیر انگلیس پس از جنگ دوم را مورد توجه قرار داد. پس از جنگ جهانی دوم، چرچیل، نخست وزیر انگلیس در حالی که بر عرشه ناوی در مدیرانه ایستاده بود، گفت: اکنون شرایط جهان تغییر کرده و دنیا حکم یک خانواده را پیدا کرده است. همان طور که در یک خانواده، این برادرهای بزرگ تر هستند که نظم آن خانواده را تنظیم می کنند، الآن هم در جهان دو برادر بزرگ تر هستند که باید نظم جهانی را تنظیم کنند و این دو برادر بزرگ تر، آمریکا و شوروی هستند.

بر اساس چنین تصویری از شرایط جهان، نظام دو قطبی پس از جنگ جهانی دوم، جایگزین نظام چند قطبی پیش از جنگ شد و اروپا از مرکز ثقل بودن قدرت در جهان خارج گشت و جهان به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. اروپایی که روزی خود بر جهان سیطره داشت، بخش غربی آن، تحت سیطره و نفوذ آمریکا و بخش شرقی آن، تحت سیطره و نفوذ شوروی قرار گرفت. در دوران نظام دو قطبی، هر یک از دو ابرقدرت حاکم بر جهان با ایدئولوژی های متفاوت در رقابت و جنگ سرد با دیگری و به دنبال حذف آن از صحنه و حاکم کردن مطلق خود بر جهان بود.

انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی و نه غربی، در فضای نظام دو قطبی شکل گرفت و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور با نظام سیاسی دینی و با شعارهای خاص و مستقل از بلوک غرب و شرق در عرصه بین الملل ظاهر شد.

با فروپاشی بلوک شرق و تجزیه شوروی سابق به پانزده کشور،

دولت ایالات متحده احساس پیروزی بزرگ کرد و خود را در آستانه دست یافتن به رهبری جهان دید. رئیس جمهور وقت آمریکا سخن از نظم نوین جهانی به میان آورد و نظم نوین جهانی را به معنای فراگیر شدن ارزش های آمریکایی در جهان قلمداد و تصریح کرد: (نظم نوین جهانی، یعنی حداقل یک صد سال رهبری آمریکا بر جهان)

متأسفانه پس از فروپاشی بلوک شرق و شروع یکه تازی های آمریکا در جهان به عنوان تنها ابرقدرت، عده ای در داخل ایران، مرعوب فضای جدید شدند و تأمین امنیت و منافع ملی را، به نوعی در گرو همراه شدن با نظام جهانی در حال شکل گیری، مذاکره و رابطه با آمریکا دیدند. به عبارت دیگر، پس از فروپاشی نظام دو قطبی، خط مذاکره و سازش در ایران پررنگ تر شد و کسانی تصور کردند شکل گیری یک نظم نوین تک قطبی برای یک دوره طولانی، سرنوشت حتمی جهان خواهد بود و جهان دارای کدخدایی به نام آمریکا شده که تنها راه برای تأمین منافع، کنار آمدن با کدخدای جهان است. اما در این میان، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی همانند حضرت امام(ره)، آمریکا را نیز قدرتی در حال فرو ریختن می دیدند و در طول این سال ها، بر ایستادگی، عدم مذاکره و سازش با این قدرت سلطه گر تأکید کرده و از آینده درخشان برای ملت ایران خبر داده اند. حوادث و تحولات سال های اخیر، این واقعیت را آشکار ساخت که آمریکا قدرتی رو به افول و جمهوری اسلامی قدرتی در حال ظهور است.

آمریکایی ها طی دو دهه اخیر، تلاش های فراوانی کردند و هزینه های بسیاری را به همراه خسارت های سنگین و جبران ناپذیر متحمل شدند تا نظم نوین مورد نظر خود را به ملت ها و دولت های جهان تحمیل کنند؛ لکن در این مسیر ناموفق بودند. برآورد کارشناسان راهبردی آمریکا بر این نکته تأکید داشت که تنها راه رسیدن ایالات متحده به مدیریت انحصاری بین المللی و استقرار نظام تک قطبی، داشتن سلطه